

Perceptual barriers to the formation of a civilizing university in the context of the ethical system of contemporary Iranian education

Abbas Ali Rahbar *

Received on: 24/08/2022

Morteza Shahmiri **

Accepted on: 02/01/2023

Abstract

Purpose: Among the systematic components of Islamic University leading to Islamic civilization, we emphasize on education. Because, on the one hand, the other important aspects of the Islamic university system and civilization are influenced by education. (Of course, the choice of education in an Islamic university does not negate the importance of cultural/educational, research, technological, and managerial aspects.) On the other hand, the need for precision and specificity in the issue encourages us to choose more specifically and limit the issue.

Methodology: The upcoming research is based on an interpretative qualitative method. In the sense that the meaning and internal relationships of the data inferred from the data should be discovered and interpreted. Also, the tool of inferential analysis will be used to analyze the negative cases of Tamdanzaz University in the mentioned issue. The collection method is library and in-depth interview (in addition)will be.

Findings: The main perceptual obstacles to the formation of a civilizing university in the field of the ethical system of education

- 1 -Weakness in the mentality of skill building and skill building in the field of education
- 2 -Extreme weakness in the production of university culture
- 3 -Mental communication disorder between teacher and student

* Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

aa.rahbar@atu.ac.ir

 0000-0003-4170-1316

** Doctoral student of sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Mo-shahmiri@yahoo.com

 0009-0001-8373-6608



- 4 -Weakness in academic socialization based on professional ethics
- 5 -Deficit in the moral responsibility of the trustees of university education
- 6 -Lack of attention to the elements affecting moral abilities in the field of education:
 - 6-1 -Mere quantification in response to society's needs;
 - 6-2 -Commodification of science and education and priority of income over quality;
 - 6-3 -University politicization;
 - 6-4 -Caricature of educational creations;
 - 6-5 -scientific tourism instead of scientific diplomacy;
 - 6-6 -Lack of attention to the development programs of the education sector;
 - 6-7 -Promoting the culture of scientific comfort food;
 - 6-8 -Lack of attention to scientific skills;
 - 6-9 -A little look at the entrance to world knowledge;
 - 6-10 -Imbalance between theoretical-human knowledge and engineering-experimental knowledge;
 - 6-11 -extreme individualism;
 - 6-12 -speech therapy training;
 - 6-13 -mental gap between education and society issues;
 - 6-14 -Removing the explanatory approach;
 - 6-15 -delivery orientation and neglecting the systemic attitude in the educational system.

Conclusion: Ethical university leading to Islamic civilization, at the level of academic members, in the system of education, research and administration of the university, it is necessary to pay attention to professional ethics towards students, ethics and virtual space, and finally the ethics and social responsibility of the university towards the outside of the university. A new understanding of the environmental strategy of the university and society in the form of components such as paying attention to the new spaces of technology, using the traditional capacity of the university while looking at the present and the future today, logical insistence on rethinking identity based on reality-oriented responsibility-oriented future-oriented and also the reconstruction of the life of the mind The agency and intersubjectivity of the moral field of education is very important in Tadamansaz University in order to solve the problem of the hegemony of pretense over reality .Restoring public trust in the field of university education and paying attention to the important elements of justice, accountability and responsibility of education in the university are other essential indicators.

Keyword: Civilization, university, sociability, morality, education.

موانع ادراکی شکل‌گیری دانشگاه تمدن‌ساز در ساحت نظام اخلاقی آموزش ایران معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

عباسعلی رهبر*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

مرتضی شهیمیری**

چکیده

تمدن هم ساخته می‌شود و هم آن را می‌سازند، به گونه‌ای که هم به سوژه‌مندی مؤثر و هدفمند و هم به روند تدریجی و میناتور تاریخی بر مبنای علم و نظام اخلاقی انسانی- الهی- سازمانی می‌پردازد. در میان عناصر مؤثر در تمدن‌سازی، نهادهای مولد دانش و اخلاق همچون دانشگاه، نقشی کم‌نظیر و بنیادین دارد. با توجه به نقش مؤثر اهرمی آموزش در دانشگاه تمدن‌ساز، هدف اصلی مقاله، فهم موانع شناختی مؤثر بر ساحت اخلاق آموزش در دانشگاه تمدن‌ساز به مثابه‌ی تلاقی انسان‌سازی و جامعه‌سازی است؛ چراکه بی‌اعتنایی به مسائل اخلاقی و تعهدات اجتماعی، به تضعیف دانشگاه تمدن‌ساز می‌انجامد. این مقاله از روش کیفی و با رویکرد تفسیری، از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه و همچنین تحلیل استنباطی در جهت واکاوی موارد سلبی دانشگاه تمدن‌ساز در مسئله مذکور استفاده کرده است. همچنین در چارچوب مفهومی اخلاق حرفه‌ای و جامعه‌پذیری در ساحت آموزش مؤثر بر تمدن‌سازی دانشگاه، با تأکید بر موارد سلبی نظام اخلاقی حوزه آموزش در پاسخ به سؤال اصلی چستی موانع ادراکی اخلاق آموزش در شکل‌گیری دانشگاه اسلامی تمدن‌ساز در ایران معاصر، به تحلیل یافته‌هایی چون ضعف در تولید فرهنگ دانشگاهی و جامعه‌پذیری دانشگاهی مبتنی بر اخلاق حرفه‌ای، کسری در مسئولیت‌پذیری اخلاقی متولیان آموزش دانشگاهی، کم‌توجهی به عناصر مؤثر بر توانمندی‌های اخلاقی در ساحت آموزش تمدن‌ساز و ضعف در ذهنیت مهارت‌آفرینی در حوزه آموزش در دانشگاه اسلامی تمدن‌ساز می‌پردازد.

کلمات کلیدی: تمدن، دانشگاه، جامعه‌پذیری، اخلاق، آموزش.

* استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

0000-0003-4170-1316

aa.rahbar@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول).

0009-0001-8373-6608

Mo-shahmiri@yahoo.com



بیان مسئله

تمدن نوین اسلامی از مباحث نوظهور جهان اسلام است که موافقان آن برای زمینه‌سازی، تقویت و انسجام آن تلاش دارند تا در بسط نظرات، ارائه‌ی مدل‌های مدنظر، آسیب‌شناسی و تبیین‌های نظری به تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی که در شکل‌گیری، نضج و مانائی یک تمدن مؤثرند؛ توجه نمایند. از جمله عوامل معنوی شایان توجه در شکل‌گیری و بسط یک تمدن، زبان تمدن‌ساز است. زبانی که حائز شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که در قوام، انسجام و پایداری یک تمدن در مقابل غیرهای رقیب و مهاجم ایفای نقش خواهد کرد و با فقدان آن، زندگی انسان پیشرفته، هم-سطح با حیوانات خواهد شد. با اتکاء به قابلیت‌ها و ویژگی‌های چنین زبانی می‌توان زمینه‌ی قوام و انسجام تمدن مسلط در آینده‌ی جهان اسلام را فراهم آورد (الویری و کریم زاده، ۱۴۰۱، ص ۳۵). نکته‌ی بسیار مهم در زبان تمدن ساز، نقش بنیادین دانشگاه است چراکه زبان تصویری از کردار و اندیشه است و دانشگاه می‌تواند صورت‌بندی مناسبی را انسجام و استمرار تمدنی داشته باشد.

لزوم وجود دانشگاه اسلامی و توجه به نقش تمدن‌سازی آن به لحاظ فضای فرهنگی و همچنین نیاز به پویایی جامعه و اسناد قانون اساسی، امری لازم به شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که حکمرانی اخلاق محور دینی باید با ارائه‌ی دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه‌ای ارتقاء زندگی اجتماعی، موجب پیشرفت‌های معنوی و مادی در جامعه گردد.

در میان مؤلفه‌های نظام‌واره دانشگاه اسلامی منتج به تمدن اسلامی، به امر آموزش تأکید می‌کنیم. چراکه از یکسو به‌نوعی شئون مهم دیگر نظام دانشگاه اسلامی و تمدن‌سازی تأثیر از امر آموزش می‌پذیرد. (البته انتخاب امر آموزش در دانشگاه اسلامی نافی اهمیت ابعاد فرهنگی، تربیتی، پژوهشی، فناوری و مدیریتی نیست.) و از سوی دیگر، لزوم تدقیق و خاص‌نگری در مسئله، ما را به انتخاب مشخص‌تر و محدود کردن موضوع تشویق می‌کند.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

ایمانی پور (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش» نشان می‌دهد که بر اساس مبانی اخلاق حرفه‌ای معلمی، یک استاد در دو بعد باید خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند؛ اول به دلیل جایگاه تأثیرگذاری که بر رفتار و افکار فراگیران دارد، باید خود را به

فضایل اخلاقی آراسته کند و بداند مؤثرترین روش در انتقال ارزش‌های اخلاقی مثبت، آشکار شدن آن‌ها در رفتار واقعی مدرس است؛ دوم به دلیل وظیفه‌ای که در قبال برآوردن نیازهای آموزشی دانشجویان دارد، باید با رعایت حداکثری اصول اخلاقی در انجام وظایف حرفه‌ای، مسئولیت‌های آموزشی خود را به بهترین شکل انجام دهد.

در مقاله‌ی «چینش نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی؛ تأکید بر نخبگان دانشگاهی» فرضیه‌ی اصلی اشاره دارد که نخبگان و اندیشمندان در صورتی به مرجعیت فکری و راهبری جوامع نائل می‌شوند که بتوانند اولاً متناسب با ویژگی‌های اصیل جوامع، شناخت نیازها و مطالبات مردمی و ثانیاً با به‌کارگیری ظرفیت‌ها و شیوه‌های تعاملاتی جدید مانند فضای مجازی و همراه‌سازی نخبگان سمبولیک، ایده‌های خود را تبدیل به ارزش‌های فراگیر در جامعه نمایند. یافته‌ی پژوهش نیز اشاره به این دارد که گسترش تعاملات بین‌المللی مانند فضای مجازی، فرصت‌های نوینی فراهم می‌نماید تا نخبگان فکری جهان اسلام با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک جهان‌شمول اسلامی ناظر بر کرامت انسانی بتوانند علاوه بر تأثیرگذاری‌های داخلی جهت توسعه، به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی جهت همگرایی جهان اسلام محسوب شوند.

عزیزی (۱۳۸۹)، در پژوهش با عنوان «اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی، تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی» نشان می‌دهد که از نظر استادان و دانشجویان، وضعیت موجود اخلاق حرفه‌ای در حوزه فعالیت‌های آموزشی کمتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. این در حالی است که پاسخگویان توجه به این استانداردها را در آموزش‌های دانشگاهی بسیار ضروری می‌دانند. مقایسه نظر اساتید و دانشجویان و لحاظ کردن سایر ویژگی‌های آن، نوعی تجانس در نظرات آنان درباره وضعیت جاری و وضعیت مطلوب است.

همچنین باید اضافه کرد که مطالبی به‌عنوان نظامنامه اخلاق آموزش تدوین شده توسط معاونت آموزشی وزارت علوم در سال ۱۳۹۹ و همچنین مقالات مختلفی چون الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی در سال ۱۳۹۲ (مصباحی)، رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقاء مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ۱۳۷۹، نگاهی به نظام آموزش عالی ایران؛ گذشته، حال، آینده، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران، همچنین مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵) نوشته شده

است. در مقاله‌ی «واکاوی پیامدهای دانشگاه تمدن ساز» بر اساس یافته‌های پژوهش، شناسه‌های مستخرج مؤلفه‌های مرتبط با پیامدهای این رویکرد شامل: ۱. ارائه‌ی الگوی الهام‌بخش ۲. تربیت رهبران جهانی ۳. ایجاد منزلت برای منطقه‌ی مستقر ۴. طراحی بنیان‌های تمدنی ۵. رونق تولید؛ ۶. افزایش بهره‌وری ۷. تولید علم کارآفرینانه می‌باشند. همچنین دو بُعد پیامد نهادینه‌سازی معنویت و پیامد انتقال علم برای سازه‌ی اصلی شناسایی شد. دانشگاه‌ها می‌توانند ضمن تطبیق کارکردشان با شاخص‌های مستخرج این تحقیق، جایگاه خود را در تمدن‌سازی مشخص کنند.

۲. روش پژوهش

روش‌های موجود در علوم اجتماعی به دو دسته‌ی کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. روش‌های کمی مبتنی بر اعداد و ارقام هستند و مبتنی بر رویه‌های ویژه‌ی مستنبط از علم آمار، به گردآوری، تجزیه و تحلیل و پردازش داده‌ها می‌پردازند. اما روش کیفی بر جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل متون تفسیرپذیر مبتنی است. ذهنیت و علایق پژوهشگر در این روش، برخلاف روش کمی، تأثیر بیشتری بر پژوهش می‌گذارد و پژوهش متأثر از برداشت‌ها و تفاسیر مفسر متن و پژوهشگر است. پژوهش پیش رو، مبتنی بر روش کیفی از نوع تفسیری است. به این معنا که بایستی معنا و روابط درونی داده‌های مستنبط از داده‌ها، کشف و تفسیر شوند. همچنین از ابزار تحلیل استنباطی در جهت واکاوی موارد سلبی دانشگاه تمدن‌ساز در مسئله مذکور بهره‌مند خواهد شد. روش گردآوری نیز کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ی عمیق (به صورت تکمیلی) خواهد بود.

مصاحبه‌شوندگان

مدیر گروه آموزشی برنامه‌ریزی درسی و رئیس سابق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	استاد برنامه‌ریزی درسی تمام دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر حسن ملکی
معاون آموزشی (سابق) دانشکده علوم انسانی و دبیر هیأت نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی استان البرز	دانشیار اخلاق و مدیریت دانشگاه خوارزمی	نادر شکراللهی
مدیر برنامه‌ریزی آموزشی، نظارت و سنجش دانشگاه علامه طباطبائی	دانشیار مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی	هادی خان محمدی

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. اخلاق آموزش

در چارچوب مفهومی، به مفاهیم اخلاق و جامعه‌پذیری دانشگاهی اشاره می‌گردد. اخلاق از منظر علمی بر دو بعد تأکید دارد؛ یکی بعد (شناختی و معرفتی) دوم بعد (عملی و رفتاری). در بعد شناختی، دیدگاه مصباح یزدی بر آن است که علم اخلاق، علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبی‌ها و بدی‌ها، راه‌های کسب خوبی و دفع بدی را به ما نشان می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸) پس هدف علم اخلاق در این معنی، رشد بعد اخلاقی انسان است (نجارزادگان، ۱۳۸۷، ص ۲۲). در بعد دوم یعنی اخلاق در بعد عملی و رفتاری، اخلاق علمی است که با ارائه‌ی شیوه رفتار صحیح (الگوی صحیح) با خود و دیگران، راه رسیدن به منش صحیح را به ما نشان می‌دهد (خواص و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸). اما از بعد فلسفی، فلسفه‌ی اخلاق عبارت است از دانشی که تنها به بررسی عقلی مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد.

حوزه اخلاق یا فلسفه اخلاق، متضمن سیستماتیک کردن، تعریف نمودن و توصیه مفاهیمی از رفتار درست و نادرست است که معطوف به دو بعد هنجاری و فرا اخلاقی می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴). برای بررسی موضوعات فلسفه اخلاق می‌توان ابتدا موضوع فلسفه اخلاق در سه سطح پژوهش‌های فلسفه اخلاق ذیل دیدگاه‌های سه‌گانه نظریه پردازان پیرامون علم و فلسفه اخلاق اشاره نمود. به‌طورکلی، پژوهش‌های اخلاقی را می‌توان در سه سطح توصیفی، هنجاری و فرااخلاقی یا تحلیلی دسته‌بندی کرد که بعد توصیف ذیل علم اخلاق و دو بعد دیگر ذیل فلسفه اخلاق قرار می‌گیرند. اخلاق آموزش که ذیل اخلاق حرفه‌ای موضوع پژوهش است، ذیل دسته‌بندی جدید با عنوان اخلاق کاربردی قرار می‌گیرد که برخی آن را به‌عنوان یک حوزه مستقل و برخی به‌عنوان بخشی از نظریه هنجاری مورد بررسی قرار می‌دهند که به کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها، ایده‌آل‌های اخلاقی و مورد رفتارهای اخلاقی اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی می‌پردازد و هدف از آن، ارزش‌گذاری و ارزیابی اخلاقی و در نتیجه پذیرش یا انکار آن خط‌مشی‌ها و رفتارهاست. اخلاق کاربردی درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه‌ی اخلاقی را در حوزه‌ی مسائل اخلاقی خاص نشان دهد. مانند: اخلاق پژوهشی، اخلاق

نقد، اخلاق گفت‌وگو، اخلاق دانشجویی و اخلاق حرفه‌ای (قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۶).

در اینجا رابطه‌ای مستقیم بین اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ‌سازمانی وجود دارد و برای رسیدن به تعالی و اثربخشی اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها و همچنین بهبود عملکرد شغلی اعضای آن‌ها، باید به فرهنگ‌سازمانی توجه ویژه‌ای داشت؛ زیرا فرهنگ به روش درک انسان از محیطی که در آن زندگی می‌کند اشاره دارد و معرف دیدگاه‌ها و رفتار اوست. اگر قوانین و مقررات موجود در سازمان‌ها رفتار رسمی کارکنان را شکل می‌دهند، فرهنگ‌سازمانی نیز رفتار غیررسمی کارکنان را دیکته می‌کند و مبنای اخلاق حرفه‌ای آنان محسوب می‌گردد و می‌تواند بر عملکرد شغلی آن‌ها نیز تأثیرگذار باشد. در حوزه آموزش در دانشگاه‌ها اعضای هیئت‌علمی، بهترین منبع شناسایی فرهنگ‌سازمانی دانشگاه محسوب می‌شوند (نصرآبادی و سلیمانی، ۱۳۹۲، ص ۸۸). زیرا فرهنگ سازمانی بر جنبه‌های مختلف از جمله ادراک، تفکر، احساس، روش‌های عمل، فرآیند تصمیم‌گیری، انگیزه، روحیه و میزان خلاقیت و نوآوری استادان دانشگاه‌ها تأثیر خواهد داشت و در نتیجه، توجه استادان به فرهنگ سازمانی دانشگاه‌ها، باعث بهبود اخلاق حرفه‌ای آن‌ها و بهبود عملکرد شغلی‌شان می‌شود و تحقق اهداف دانشگاه تا حد زیادی امکان‌پذیر می‌گردد (مدنی و شیرعلی زاده، ۲۰۱۵، ص ۲۴۷).

۳-۲. مراحل جامعه‌پذیری دانشگاهی

دانشگاه در اثر چرخش‌های فرهنگی، اجتماعی و فناوری در عصر حاضر دستخوش تغییراتی شده و این تغییرات موجب ظهور مفاهیمی چون جامعه‌پذیری دانشگاهی شده است. نظام جامعه‌پذیری دانشگاهی بستری است برای امکان تحقق وظایف ذاتی دانشگاه‌ها همچون تربیت انسان دانشگاهی، انتقال دانش و هنجارهای حرفه‌ای به اعضا و آماده‌سازی آن‌ها برای احراز مشاغل حرفه‌ای که از مهم‌ترین وظایف ذاتی دانشگاه‌هاست. بر این اساس، تعامل اعضای دانشگاه با یکدیگر، زیست در فضای فرهنگی دانشگاه، تبادل دانش و اطلاعات در قالب چرخه یادگیری و یاددهی و تبعیت از آداب، قوانین و هنجارهای علم، بخشی از اکوسیستم دانشگاهی تلقی می‌شود که در بستر جامعه‌پذیری دانشگاهی صورت می‌پذیرد. بنابراین بررسی نظریات جامعه‌پذیری دانشگاهی و مراحل آن از اهمیت زیادی برخوردار است (مرجائی، ۱۳۹۶، صص ۸-۹).

- عناصر اصلی جامعه‌پذیری^۱

ادبیات جامعه‌پذیری سه فرآیند یا (عنصر اصلی) دخیل در جریان جامعه‌پذیری را بیان می‌کند:

کسب دانش، سرمایه‌گذاری در وقت و مشارکت در فعالیت‌ها (Stein, 1992)

۱. کسب دانش^۲

همان‌طور که افراد تازه‌کار به کسب دانش در زمینه‌ای خاص می‌پردازند، زبان، تاریخ، مسائل و ایدئولوژی آن تخصص را می‌آموزند و متناسب با آن، هویتی حرفه‌ای را در درون خود رشد می‌دهند. مبنای دانش شخص تازه‌کار در مورد این هویت حرفه‌ای، چارچوبی عمومی و درعین‌حال پیچیده و تخصصی را در بر می‌گیرد.

۲. سرمایه‌گذاری در وقت^۳

عنصر مهم دوم در فرآیند جامعه‌پذیری، صرف وقت و عزت‌نفس در سازمان یا زمینه تحصیلی و کنار گذاشتن گزینه‌های دیگر است. برای مثال دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مرحله انتظار، سرمایه‌گذاری در وقت خود را با گزینش یک دانشکده از میان دانشکده‌های دیگر شروع می‌کنند. این سرمایه‌گذاری فرد برای ادامه مطالعات و فارغ‌التحصیلی و پذیرفتن نقشی حرفه‌ای در زمینه تحصیلی مربوط به خود عمیق می‌سازد (شرلوک و موریس، ۱۹۶۷).

۳. مشارکت در فعالیت‌ها^۴

مشارکت در فعالیت‌ها به معنای آن است که فعالیت در نقش‌های سازمانی به شناخت نقش و تعهد به آن منجر می‌شود. برای مثال دانشجویان تحصیلات تکمیلی از خلال کنش‌های متقابل با دانشکده و دانشجویان سطوح بالاتر و همچنین مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی چون اجرای تحقیق و شرکت در کنفرانس، جامعه‌پذیر می‌شوند.

۴. وجوه کلی اخلاق آموزش در دانشگاه اسلامی تمدن ساز

یکی از نکات مهم توجه به شاخص‌های اخلاقی حوزه‌ی آموزش در دانشگاه با رویکرد اسلامی

.....
1 . Core Elements of Socialization

2 . Knowledge Acquisition

3 . Investment

4 . Involvement

جهت تمدن سازی با دیگر رویکردهای غیر اسلامی است که در عین وجود اشتراکات روشی و اخلاق حرفه‌ای، دارای افتراق جدی نیز هستند؛ مبنای رویکرد اسلامی توحید است، مبنای انسان‌شناسی رویکرد اسلامی با غرب متفاوت است، مبنای معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی متفاوتی هم دارد. در رویکرد اسلامی، انسان خلیفه‌ی خداست، در روی زمین این امر رؤیا و خواب نیست بلکه در قرآن به صورت صریح بیان شده است. چنانکه در قرآن در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی بقره ذکر شده است: انی جاعل فی الارض خلیفه؛ من در زمین جانشینی قرار خواهم داد، مراد آن است که هر انسان به خودی خود جانشین خداوند است و باید تلاش کند آن را به فعلیت برساند. معنای آیه این است که در بین همه‌ی موجودات عالم، یک موجودی به نام انسان وجود دارد که گرایش فطری که خداوند متعال در وجود آن قرار داده است می‌تواند به مقامات عالی علمی و اخلاقی برسد به نحوی که خداوند در خلقت انسان از آیه‌ی فتبارک الله احسن الخالقین بهره برده است، بنابراین وقتی با رویکرد اسلامی به اخلاق نگاه می‌کنیم حواسمان باشد درباره‌ی چنین انسانی حرف می‌زنیم، درباره‌ی جانشین خدا در زمین صحبت می‌کنیم که خدای متعال فرمود من گنج پنهان بودم که آدم را آفریدم تا شناخته شوم، ما درباره‌ی چنین انسانی داریم صحبت می‌کنیم. ما در رویکرد اسلامی برآنیم که مرتبی را در مسیر صراط مستقیم قرار دهیم و او در مسیر قرب الهی جهت‌دهی کنیم. بنابراین ریل‌گذاری ما در رویکرد اسلامی مبنای توحیدی دارد. حال ملاحظه که اگر یک استاد باورش این باشد که دانشجویی در کلاس اوست یک جانشین خداست، این نگاه کجا و نگاه غیر اسلامی کجا، چنانکه در نگاه ماتریالیستی غرب، انسان مانند سایر موجودات طبیعت است و فرق آن است که قدری پیچیده‌تر است، البته اشتراک‌هایی نیز وجود دارد؛ مثلاً همان عدالت که عرض کردم، در دو رویکرد بر عدالت تأکید شده است اما عدالت در اسلام و غیر اسلام تفاوت دارد، وجوه اشتراک کم است، اما افتراق زیاد است. یکسری مسائل انسانی است که آن‌ها در آموزش عام هستند یعنی تمامی مکاتب به آن‌ها توجه دارند اما افتراق بیشتر است، چون مبنا متفاوت است و اخلاق ریشه‌ی فلسفی و معرفتی دارد و دو رویکرد از اساس با هم متفاوت‌اند (رک: رهبر و همکاران، ۱۴۰۲).

برای ورود به عرصه‌ی تمدن سازی، نقش آموزش نافع در دانشگاه‌ها را باید جدی تلقی کرد و از مقدمات بسیار مهم مرتبط با دانشگاه تمدن ساز تهیه‌ی اسناد اثربخش و کارآمد و مشارکت جامعه‌ی دانشگاهی در تدوین آن است. ناگفته نماند که در طول سنوات گذشته حکمرانی آموزش

عالی ما تا حدی به آن توجه شده است که می‌توان به نظامنامه‌ی اخلاق اساتید و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها به شرح جدول ذیل اشاره کرد:

جدول مؤلفه‌های اخلاق آموزش اساتید (مرتبط با نظامنامه‌ی اخلاق آموزش، ۱۳۹۹)

شماره‌ی	مؤلفه‌های اخلاق آموزش	تعاریف
۱	انسجام و یکپارچگی	یکپارچه و همخوان بودن تمامی مؤلفه‌ها و بخش‌های مطرح در نظام آموزش عالی که فواید گوناگونی از جمله نهادینه شدن هنجارهای اخلاقی، مزیت رقابتی پایدار، تعهد، ایجاد اتحاد، صداقت و وفاداری دارد.
۲	نقدپذیری و پاسخگویی	پذیرش صبورانه و آگاهانه‌ی نقدها و پاسخگو بودن به‌صورت مناسب نسبت به آنها توسط اساتید و سازمان است.
۳	مشارکت طلبی و مسئولیت‌پذیری	دخیل کردن تمامی ذینفعان خانواده‌ی بزرگ آموزش عالی در امور مربوط به آنها چه در تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت است و مسئولیت‌پذیری افراد و سازمان‌ها نسبت به وظایف خود.
۴	قاطعیت	صراحت، صداقت، احترام متقابل در انجام وظایف
۵	شفافیت	آشکار بودن مبنای تصمیم‌گیری‌ها و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد است. به‌عبارتی دیگر، آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل‌دسترس بودن آن برای همه‌ی کسانی که با تصمیم‌ها در ارتباط هستند.
۶	انصاف و عدالت	داوری و ارزش‌گذاری یکسان در مورد عمل ارتباطی واحد در افراد گوناگون در موقعیت‌های ارتباطی یکسان بدون توجه به افراد و منافع دخیل در عمل آن افراد است.
۷	احترام به استقلال	دا دانشگاه‌ها بتوانند به‌عنوان یک نهاد توانمند، خود را اداره کنند و دارای مدیریت خودگردان باشند و از اختیارات اداری، مالی، تشکیلاتی، برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و امثال آنها برخوردار باشند. استقلال فردی نیز که به معنای خودکفایی و پذیرش مسئولیت بوده که در این زمینه بسیار ارزشمند است.
۸	احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها	تمامی انسان‌ها قابل‌احترام هستند و باید به‌تمامی انسان‌ها بدون هیچ شرطی احترام گذاشت.

ادامه جدول مؤلفه‌های اخلاق آموزش اساتید (مرتبط با نظامنامه‌ی اخلاق آموزش، ۱۳۹۹)

شماره‌ی	مؤلفه‌های اخلاق آموزش	تعاریف
۹	همدلی	درک شرایط و مسائل و پذیرش دانشجویان توسط اساتید
۱۰	رازداری	پنهان کردن اطلاعات از افراد یا گروه‌های خاصی است که نیازی به دانستن آن‌ها وجود ندارد. بنابراین رازداری به معنای پنهان نگه‌داشتن اطلاعات است.
۱۱	پایداری	دوام تصمیم‌ها و رفتارها در بلندمدت که لازمه و زیرساخت برای مدیریت اخلاق مدارانه در دانشگاه توسط اساتید و سازمان محسوب می‌شود.
۱۲	ارزش محور بودن آموزش	در دانشگاه اسلامی بین علم و ارزش فاصله‌ای نیست، علاوه بر آن‌که آموزش کاری مقدس است پس باید تربیت نیز در کنار آموزش موردتوجه قرار گیرد.
۱۳	مسئله مندی و کارایی	اسناد آموزشی و دانش اساتید و شیوه‌های آموزش باید کارآمد باشند و مبتنی بر حل مسائل جامعه باشد.
۱۴	وفاداری به حقیقت	بر تأکید بر بیان حقیقت و عمل کردن بر طبق آن و عدم مخفی کردن آن تحت هر شرایطی است.

لازم به ذکر است که باید سه نکته‌ی مهم ادراکی در اسناد بالادستی دیده شود:

- ساحت امکان اجرایی و عملیاتی شدن اسناد
 - توجه به اقتضائات زمانی
 - توجه به اقتناع افکار عمومی جامعه‌ی دانشگاهی.
- عدم توجه به عناصر مذکور باعث ناکارآمدی اسناد و به حاشیه رفتن آنها در دانشگاه خواهد شد.

۵. موانع ادراکی شکل‌گیری دانشگاه تمدن‌ساز در ساحت نظام اخلاقی آموزش

برای اینکه بتوان به احیای تمدن ایرانی - اسلامی فکر کرد، گام نخست جلوگیری از هرج و مرج فکری، سیاسی و اخلاقی است و ایده‌ی دانشگاه ارزش‌آفرین و تمدن‌ساز، نقش مهمی در طراحی و ساخت تمدن نوین ایرانی - اسلامی دارد.

عرصه آموزش عالی و دانشگاهی، کارکردهای مختلفی دارد که مهم‌ترین و گسترده‌ترین آنها، آموزش علمی و عملی دانشجویان در رشته‌های مختلف است. اساتید و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها که بخش عمده این کارکرد به عهده آنهاست، به سبب حرفه معلمی خود، وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی دارند که از آنها به نام اخلاق حرفه‌ای معلمی یاد می‌شود. اخلاق حرفه‌ای معلمی مؤلفه‌هایی دارد که عمدتاً بر دو بخش یعنی وظایف اخلاقی استاد در انجام نقش تعلیمی که به عهده دارد و وظایف اخلاقی استاد در راستای نقش تربیتی که دارد تمرکز دارند (ایمانی پور، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

سه گروه اصلی تأثیرگذار و تأثیرپذیر مرتبط با کارکرد آموزشی دانشگاه عبارت‌اند از: مدیران و سیاست‌گذاران، اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان. در این میان، اعضای هیئت‌علمی، نقش اصلی را در اداره و هدایت امر آموزش بر عهده دارند. پایبندی اعضای هیئت‌علمی به اصول و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای، هم از منظر توسعه فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات و هم از منظر انتقال صفات متمیزه و ویژگی‌های برجسته انسانی به دانشجویان و در نتیجه اشاعه آنها در جامعه، بسیار حائز اهمیت است.

در میان حوزه اخلاقیات دانشگاه اسلامی در محورهای فرهنگی، تربیتی، پژوهشی، آموزشی، فناوری و مدیریتی، بحث بنیادین و مهم امر اخلاق در نظام آموزشی دانشگاه اسلامی مورد توجه است چراکه نظام معرفتی مناسب در حیطه اخلاق آموزش هنوز به‌درستی و جامع در نزد افکار عمومی دانشگاهیان نهادینه نشده است و نکته مهم دیگر آنکه با وجود مؤلفه‌های خوب در حوزه مذکور (البته کم‌نظام‌مند)، عملیاتی و اجرایی شدن آنها در دانشگاه‌ها به رسوب نسبی رسیده است.

یکی از فرهیختگان حوزه‌ی آموزش اشاره داشتند که مهم‌ترین مانع را در اخلاق آموزش در دانشگاه‌ها، باور غلط به جدایی دانش و ارزش می‌دانم که بحث اولیه در اندیشمندان غربی به وجود آمد و بین علم و اخلاق، بین دانش و ارزش انفکاک و جدایی دیدند. علم را بی‌جهت کردند در حالی که ما باور داریم که علم جهت‌دار است و نباید سکولار باشد، علم سکولار و عالمان سکولار، آن‌هایی که اعتقاد دارند که اصلاً مباحث ارزشی نباید در علم باشد، آن را مانع اجرایی می‌دانم که این بحثی جدی و اعتقادی است و تا زمانی که این مسائل حل نشود، مسئله اخلاق آموزش پابرجاست. ضعف اخلاقی بعضی از اساتید عامل دیگری است. اما به‌طور قطع با این مسئله

در نظام آموزش مواج‌هایم، حتی آن دسته از اساتید تازه استخدام ممکن است این امر را رعایت نکنند، منظور از اخلاق استاد آن است که استاد صرفاً مسئول یک درس خاص نیست بلکه مسئول دانشجویان هستند، نمی‌توانند هر حرفی بزنند، هر جور عمل کنند، باید مراقب رفتارشان باشند و رفتار خودشان را کنترل کنند؛ بنابراین لازم است استاد یک وجه اخلاقی برای خودش قائل باشد، اصولاً ساختار دانشگاه آن‌گونه است که زمانی که کلاس تمام شد مسئولیت استاد هم تمام شده است تا جلسه‌ی بعدی درس، درحالی‌که استاد یک مسئولیت انسانی دارد که اگر خارج کلاس درس متوجه شد می‌تواند مشکل یک دانشجو را حل کند، برای حل مشکل احساس مسئولیت کند و اقدام کند (مصاحبه با دکتر ملکی، ۱۴۰۲).

در مصاحبه‌ای دیگر که با یکی از اساتید مجرب در حوزه‌ی آموزش صورت گرفت، به موانع مهم تمثیت اخلاق آموزش اشاره می‌نماید؛ وی معتقد است که یک مانع مهم دانشگاه تمدن ساز، تعارض اندیشه و رفتار اساتید است. درواقع در نظام اجتماعی ما، یادگیری اجتماعی داریم و هرکسی از دیگری یاد می‌گیرد وقتی می‌بیند که مدیر یا استاد بالادستش یک نوع رفتار غیراخلاقی دارد، این‌گونه از او یاد می‌گیرد، اگر یک مرجع یا الگوی مناسبی انتخاب نکنند این مسئله مانع اجرایی شدن اخلاق حرفه‌ای است. دومین مانع بحث اعتقاد شناختی است. اگر کسی اعتقاد نداشته باشد که رفتارش الگوساز و گفتارش اندیشه‌ساز است و به تهذیب شناختی و رفتاری اعتقاد نداشته باشد عملاً این یک مانع بسیار مهم است. یکی از موانع دیگر در مسیر نهادینه شدن اخلاق آموزشی این است که ما نظام ارزشیابی مان بر اساس اخلاق آموزش نیست یا اگر هم هست اصلاً قابل‌سنجش نیست، خوب در این صورت اگر من رفتار اخلاقی هم داشته باشم، چه کسی از من تقدیر می‌کند. وقتی نظام ارزیابی در اینجا ضعف عملکرد و روش‌شناسی داشته باشد، استاد می‌بیند که این مسئله نه در ارتقاء وی اثری دارد و نه در تشویق‌های میان‌دوره‌ای لحاظ می‌شود. این نظام تشویق است، زیرا تنبیه روی اساتید اثر عکس دارد و بهترین تنبیه تشویق است. به‌عنوان مثال ما وقتی می‌خواهیم استاد نمونه انتخاب کنیم این‌که چقدر شاخص‌های اخلاقی مهم باشد و وزن بالایی داشته باشد مهم است اما متأسفانه این مسائل وزن کمتری دارد و معمولاً شهرت علمی را ملاک می‌گیرند نه کسی که اخلاق آموزشی خوبی دارد، این‌ها ضعف‌هایی است که در نظام ارزشیابی ما وجود دارد. این نکات بسیار مهم است. البته اثرات محیطی هم هست، کسی که مشکل معیشت دارد و به نحوی از بیرون دلخور است. حالا ممکن است این عامل اقتصاد

کشور باشد یا مشکلات خانوادگی، این عوامل هم ممکن است منجر به بروز بی‌اخلاقی شود. عامل دیگر، درونی است و مربوط به نظام ادراکی فرد می‌شود. اگر نظام ادراکی فرد صحیح و منطقی نباشد، هر کاری بکنید آن فرد بد برداشت می‌کند یعنی نظام ادراکی فرد فرایند ادراک اقدامات و پدیده‌ها را درست انجام نمی‌دهد و دستگاه وی درست تفسیر نمی‌کند. کسانی که این‌گونه هستند بعید است بتوانند رفتارهای اخلاقی خوبی را از خود بروز دهند، چون دیدی شک‌گرایانه دارند و چون خیلی شک می‌کنند رفتارهایشان هم بر اساس همین مسئله تنظیم می‌شود. عوامل محیطی مانند مشکلات اقتصادی، معیشتی و حتی مشکل سیاسی بر رفتار فرد اثرگذار است.

اگر این موانع رفع نشود و نظام اخلاق آموزشی در دانشگاه اجرایی نشود می‌تواند آسیب‌هایی را برای خود اساتید در بر داشته باشد که مهم‌ترین آسیب آن در بحث تعالی تربیت است؛ اساساً ما صرف آموزش را قبول نداریم بلکه آموزش و پرورش را قبول داریم و در نظام آموزش عالی هم پرورش داریم این‌گونه نیست که بحث پرورش مربوط به مقطع دبیرستان و مدرسه و... باشد ما اتفاقاً در اینجا هم آموزش داریم و هم پرورش و تربیت داریم. مهم‌ترین آسیب این است که استاد فقط درسش را بدهد و در نهایت اثر تربیتی که غایت آموزش وی بود فراموش شود. غایت آموزشی می‌گوید چند حرف درست بزنید که علم نافی تحویل دانشجو بدهد که منجر به تعالی روح و انسانیت شود. شما قرار بود این کار را انجام دهید زیرا این مسئله فلسفه‌ی معلمی است. بالاخره می‌گوییم آموزش هم باعث رشد دیگری و هم رشد خود استاد می‌شود. شما در اینجا هم مانع رشد دیگری شدید و هم مانع رشد خودتان شدید، یعنی رفتارهای غیراخلاقی به دو طرف آسیب می‌زند (مصاحبه با دکتر خان محمدی، ۱۴۰۲).

در مصاحبه‌ی دیگری با یکی از اساتید به افتراق هستی‌شناسانه‌ی دانشگاه اسلامی تمدن ساز و دیگر رویکردها اشاره می‌گردد. وقتی که در حوزه‌ی اخلاق دینی وارد می‌شویم می‌بینیم نقطه‌ی افتراق یک فضای سکولاریستی با یک فضای اخلاقی دینی در بحث نیت است. این دیگر به خود آن فرد برمی‌گردد که من به چه نیتی در حال آموزش دادن هستم و به چه نیتی کسی را تشویق یا توبیخ و تنبیه می‌کنم. اگر آن نیت الهی نباشد همه این‌ها شبیه اسکناس بی‌نخی می‌ماند که نخ اعتبارش دیگر وجود ندارد. اما وقتی که در حوزه‌ی اخلاق دینی قرار می‌گیریم و نیت الهی مطرح می‌شود. به تعبیر استاد ما حضرت آیت‌الله جوادی آملی: «شما علم را سر کلاس زنده می‌کنید حالا

می‌خواهد شیمی یا فیزیک باشد یعنی شما به خلقت به‌عنوان خلقت نگاه می‌کنید که استقلالی ندارد و از هرکدام از آیاتی که در اطراف شما هست یک سرنخی می‌گیرید تا به یک ماورائی برسید» اما وقتی که در حوزه‌ی طبیعت‌گرایانه متوقف می‌شوید درست است که آن نظم و جدیت را دارید ولی تلاش نمی‌کنید که این پیوند را به وجود بیاورید و دانشجو و مخاطب شما هر روز علاوه بر این که به اطلاعات ذهنی‌اش اضافه شود به تعبیر ملاصدرا بی به عمق وجودی‌اش هم اضافه شود و در گستره‌ی وجودی وی نیز رشدی حاصل شود (مصاحبه با دکتر شکراللهی، ۱۴۰۱).

اهم موانع ادراکی شکل‌گیری دانشگاه تمدن‌ساز در ساحت نظام اخلاقی آموزش

۱. ضعف در ذهنیت مهارت‌سازی و مهارت‌آفرینی در حوزه‌ی آموزش

اساتید دانشگاه‌ها صرف‌نظر از رشته تخصصی خود که باید در آن مهارت داشته باشند، از آنجا که وظیفه تدریس و آموزش را بر عهده دارند باید در حرفه معلمی هم مهارت داشته و با اصول حرفه‌ای آن آشنا باشند؛ چراکه آموزش نخستین کارکرد و مأموریت دانشگاه محسوب می‌شود. آموزش‌های ارائه‌شده از سوی یک نظام آموزشی ممکن است منجر به بروز رفتارهایی خاص در جامعه شود که از نظر اخلاقی قابل نقد و بررسی باشد. برای مثال، نحوه تدریس می‌تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان متناسب با تحولات علمی و تقاضاهای جامعه را فراهم بیاورد یا نیاورد؛ منابع آموزشی، محتوا و سرفصل‌های دروس ممکن است به‌گونه‌ای باشند که نوع خاصی از تفکر و اندیشه را تقویت یا تضعیف کنند که برای جامعه دارای فواید یا مضرات فراوانی باشد. نوع رفتار استاد می‌تواند بر منش و رفتار دانشجویان تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد (رک: فراستخواه، ۱۳۸۵). نباید فراموش کرد که بینش و منش اساتید در شخصیت‌دهی و هویت‌بخشی به دانشجویان بسیار مهم است که جدا از مهارت معلمی، اخلاق و منش اساتید، تأثیر مهمی در افزایش مسئولیت‌پذیری دانشجویان خواهد داشت.

۲. ضعف مفرط در تولید فرهنگ دانشگاهی

امروزه فرهنگ دانشگاهی، انسان‌دانشگاهی و زندگی دانشگاهی، مهم‌ترین عناصر زمینه‌ای برای ارزشیابی آموزش عالی هستند. در این سبک از زندگی، اخلاقیات و منش خاص حرفه‌ای و هنجارهای درونی شده علمی، باران را به تعهد مشترک نسبت به کیفیت سوق می‌دهد و

کنش‌های ارتباطی و تعاملاتی را برقرار می‌سازد که از رهگذر آن، ارزشیابی کیفیت به صورت غیررسمی صورت می‌پذیرد.

۳. اختلال ذهنی ارتباطی بین استاد و دانشجو

به‌طور کلی در ایران، ضعف روابط استاد با دانشجو به‌طور فراگیر در امر اثربخشی آموزش مورد توجه بوده است. تعاملات استاد یکی از کلیدی‌ترین موارد اخلاق حرفه‌ای در آموزش است و در مرکز فعالیت‌های آموزشی در کلاس قرار دارد و در صورتی که رابطه مناسبی میان استاد و دانشجو برقرار نشود نمی‌توان انتظار بازدهی مثبت از کلاس درس در جریان یادگیری داشت.

هرچند به جد باید پذیرفت که تعامل سازنده و دو سویه استاد و دانشجو، در کنار رعایت دیگر اصول حرفه‌ای اخلاق در تعاملات به پیشرفت تحصیلی دانشجویان، ارتقاء کیفیت یادگیری و آموزش، توسعه توانمندی‌های دانشجویان و افزایش انگیزه دانشجویان کمک می‌کند، اما در نظام دانشگاهی ایران این تعاملات جایگاه مناسبی ندارد و دچار کاستی‌هایی می‌باشد. از جمله ضعف‌های تعاملاتی اخلاقی دانشجویی و فرادانشجویی در نظام دانشگاهی ایران، برخورد بالا به پایین و نداشتن روابط دوستانه و مستمر با دانشجو، وجود برخوردهای دوگانه با دانشجو، ضعف همکاری با دیگر همکاران علمی، برخورداری از غرور علمی و غیرعلمی در برخی از اعضای هیئت علمی، ضعف سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ دانشگاه‌ها در زمینه تعاملات و همکاری گروهی، ضعف عقبه و دیرینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه و غیره می‌باشد (کیخا و ایمانی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۶۳).

عدم احترام به شخصیت دانشجویان نیز از مصادیق امور مذکور است. یک استاد نباید نسبت به دانشجویان خود رفتاری تکبرآمیز در پیش بگیرد و نسبت به آنها بزرگی بورزد. لازم است دانشجویان را با بهترین القاب و نام‌ها خطاب کند و به‌گونه‌ای از آنها یاد نکند که موجب تحقیر و توهین آنها شود. استاد باید در بحث و گفت‌وگو با دانشجویان و در حین تدریس منصف بوده و به شخصیت ایشان احترام بگذارد، به این معنی که اگر سخن درست و مفیدی از دانشجویی شنید به اهمیت و ارزش آن اعتراف کند هرچند آن دانشجو کم سن و سال باشد. باید به سؤالات بجا و به مورد دانشجویان منصفانه گوش دهد و از شنیدن سؤال آنها استنکاف نرزد (شهید ثانی، ۱۳۷۰، صص ۱۳۰-۱۲۲).

۴. ضعف در جامعه‌پذیری دانشگاهی بر مبنای اخلاق حرفه‌ای

بر این اساس، اخلاق حرفه‌ای آموزش دانشگاهی در راستای عمل به تعهدات حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی شامل (۱) تعهد به انتظارات و هنجارهای ارزشی جامعه (۲) تعهد به قوانین و استانداردهای سازمان و جامعه حرفه‌ای (۳) تعهد به آموزش و هدایت فراگیران (۴) تعهد به تکامل اخلاقی فراگیران (۵) تعهد به ارتقاء حرفه‌ای خود خواهد بود (رک: یزدانی و ایمانی پور، ۱۳۹۶، ص ۲۷۶).

هدف از اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی است که برگرفته از شغلی برعهده‌گرفته است، به‌گونه‌ای که اگر شغل دیگری پذیرفته شود مسئولیت‌های اخلاقی نیز تغییر می‌کند.

آموزش عالی نیز به‌عنوان یک نظام حرفه‌ای، نیازمند برخورداری و تبعیت از معیارهای اخلاق حرفه‌ای است. بخشی از اخلاق حرفه‌ای آموزش عالی به مشخص کردن حدود و ثغور رفتارهای مناسب یا نامناسب و هدایت اعضای هیئت‌علمی در اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای مرتبط است. تدریس و آموزش، بخش تنومند و مهمی از نظام آموزش دانشگاهی را تشکیل داده و لذا نیازمند ملاحظات اخلاقی خاص می‌باشد. اساساً اخلاق و تدریس به‌طور ذاتی درهم‌تنیده هستند. از سوی دیگر، پایبندی اعضای هیئت‌علمی به اصول و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای، از منظر توسعه فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات و انتقال صفات متمیزه و ویژگی‌های برجسته انسانی به دانشجویان و در نتیجه اشاعه آنها در جامعه، بسیار حائز اهمیت است.

در حال حاضر با وجود روش‌های مختلف برای توسعه حرفه‌ای اخلاق آموزشی دانشجویان، تدریس استادان همچنان یکی از روش‌های بسیار مفید برای یادگیری دانشجویان است. مطالعه کاربرد اخلاق، یک عنصر حیاتی در آماده کردن و توسعه آموزشگران حرفه‌ای است. برای به‌کارگیری اصول اخلاقی در معلمان و استادان باید این اصول در آموزش و بالندگی علمی آنها مدنظر قرار بگیرد. این بالندگی در مدرسان شامل دانش درباره فرایندهای تصمیم‌گیری و توانایی در به کار بردن اصول اخلاقی است (آراسته خوی و همکاران ۱۳۸۹ به نقل از لاکوفسکی، ۱۹۹۶). چراکه اخلاق آموزشی، یکی از موضوعات مهم در این حوزه است که رعایت آن باعث افزایش امنیت روانی در دانشگاه و رشد و بالندگی آن می‌گردد و افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های دانشگاه را در پی خواهد داشت. لازم به ذکر است هزینه‌های معنوی مربوط به عدم کاربست اصول

اخلاقی آموزش به مراتب مهم‌تر از هزینه‌های مادی مرتبط با آن است به گونه‌ای که کسری اعتماد به حوزه عملکرد آموزشی دانشگاه را به همراه خواهد داشت.

۵. کسری در مسئولیت‌پذیری اخلاقی متولیان آموزش دانشگاهی

مسئولیت‌پذیری اخلاقی، مفهومی فراگیر از مسئولیت اجتماعی است و سه رویکرد برجسته را شامل می‌شود:

یک: اخلاق حرفه‌ای در منابع انسانی که خود شامل سه آموزه است: الف) بیان سنجش‌پذیر شایستگی‌های خلقی و منشی در حرفه ب) تدوین سامان‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه بر حسب رده‌های گوناگون شغلی پ) ارائه‌ی روش‌های ادراکی و رفتاری مانند مهارت‌های تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاقی.

دو: اخلاق حرفه‌ای در فرآیندها و نظام‌های حرفه‌ای شامل سه بحث ممیزی اخلاقی فرایندها و نظام‌ها، بازمهندسی و بهینه‌سازی مستمر فرایندها و نظام‌ها و همچنین پیش‌بینی، پیش‌گیری و بهبود ناسلامتی اخلاقی در فرایندها و نظام‌ها.

سه: رشد اخلاقی خود سازمان شامل چهار بحث برجسته: الف) سنجش وضعیت اخلاقی سازمان ب) ترسیم وضعیت مطلوب قابل دسترس در برنامه‌های مثلاً ده‌ساله به وسیله تدوین سامان‌مند مسئولیت‌های اخلاقی سازمان در قبال حقوق محیط درونی و بیرونی پ) مدیریت اخلاقی (طرح و برنامه آموزش، ترویج و بازمهندسی اخلاقی) ت) رهبری اخلاقی سازمان (سیاست‌گذاری، هدایت، نظارت و حمایت) (رک: قراملکی، ۱۳۸۲). کسری موارد گفته‌شده به ضعف در حوزه اخلاقی آموزش منجر می‌گردد.

درواقع مسئولیت‌پذیری اخلاقی از موارد مهم ادراکی مؤثر در انجام بهینه اخلاق آموزش است که لازم است در کنار مراتب قانونی مرتبط با آن از توانمندسازی قدرت ذهنی اساتید در تعهد بیشتر به حوزه بایسته‌های اخلاق آموزشی استفاده نمایند.

۶. کم‌توجهی به عناصر مؤثر بر توانمندی‌های اخلاقی در ساحت آموزش

کم‌توجهی به عناصر مؤثر بر توانمندی‌های اخلاقی در اساتید، از دیگر موانع مؤثر در شکل‌گیری دانشگاه تمدن‌ساز است که شامل حساسیت اخلاقی، دانش اخلاقی و استدلال اخلاقی می‌باشد.

ناگفته نماند که کسری توانمندی در حیطه اخلاق آموزش منجر به انحراف ادراکی در حوزه دانشگاه تمدن‌ساز در جهت مقولات ذیل نیز می‌گردد:

۱. کمیت‌گرایی صرف در پاسخ به نیاز جامعه ۲. کالایی شدن علم و آموزش و اولویت درآمد بر کیفیت ۳. سیاست‌زدگی دانشگاه ۴. کاریکاتوری شدن خلاقیت‌های آموزشی ۵. جهانگردی علمی مآب به جای دیپلماسی علمی ۶. کم‌توجهی به برنامه‌های توسعه بخش آموزش ۷. ترویج فرهنگ راحت‌خوری علمی ۸. کم‌توجهی به مهارت‌های علمی ۹. نگاه کمی در عرصه ورود به دانش جهان ۱۰. عدم توازن بین دانش‌های نظری- انسانی با دانش‌های مهندسی- تجربی ۱۱. فردیت‌نگری افراطی ۱۲. سخن درمانی آموزش ۱۳. شکاف ذهنی بین آموزش و مسائل جامعه ۱۴. حذف رویکرد تعلیلی ۱۵. تحویلی‌نگری و غفلت از نگرش سیستمی در حیطه نظام آموزشی.



موانع ادراکی شکل‌گیری دانشگاه تمدن‌ساز در ساحت نظام اخلاقی آموزش

نتیجه‌گیری

احیای هویت ایرانی-اسلامی و پیشرفت جمهوری اسلامی، مستلزم رشد متوازن و همه‌جانبه ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است که در مسیر تعالی آن دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز پژوهشی، نقش پیشران و موتور محرکه را بر عهده خواهند داشت. توجه به نهادهای ساختن اخلاق علمی، اخلاق سیاسی، اخلاق دانشگاهی و دانشجویی و به‌طورکلی اخلاقی مبتنی بر انصاف و مسئولیت‌پذیری با یاری‌گرفتن از هویت ایرانی-اسلامی، زمینه‌های عملی اخلاق حرفه‌ای دانشگاهی را جهت تمدن‌سازی فراهم می‌کند. چراکه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی هر کشور معرف سطح بنیادینی از تفکر و دانش آن جامعه هستند که با تربیت متفکران و مدیران آینده در جهت‌دادن به جریان‌های گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه مؤثر واقع می‌شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته انقلاب پرداخته و توصیه‌هایی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» در مورد چند سرفصل اساسی با عنوان: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی ارائه فرموده‌اند.

توصیه اول رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب درباره علم و پژوهش و جمله ابتدایی‌شان این است که علم و پژوهش آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور است. یکی از محوری‌ترین بخش‌هایی که امروز ما می‌توانیم به‌عنوان نماد امید و غلبه بر چالش‌ها مطرح کنیم. از این رو آموزش عالی برای برخورداری از کیفیت بهتر، ساختارهای کارآمدتر و قابلیت بیشتر، نیازمند راهبردی برای نوسازی خود است. به همین منظور ضمن بررسی جایگاه فعلی آموزش عالی کشور و تحلیل محیطی آموزش عالی در بعد بیرونی و کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک و در بعد داخلی، سرمایه‌های انسانی، ساختار و قوانین و مقررات و... و با توجه به اینکه مأموریت آموزش عالی مشخص می‌باشد، با چشم‌انداز گام دوم انقلاب، با مؤلفه‌های: تولید علم و کارکرد علم؛ معنویت و اخلاق در سرمایه‌های انسانی؛ عدالت علمی (دمکراتیزه کردن آموزش عالی)؛ اقتصاد آموزش عالی؛ عزت ملی (دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور)؛ استقلال و آزادی (استقلال در ساختار و نظام آموزش عالی و مفهوم دانایی توانایی است) و سبک

زندگی (دانشگاه‌ها در کیفیت زندگی چه تأثیری دارند) مرتبط است.

دانشگاه، فرهنگ عمومی کشور را متناسب با تمدن ترسیم‌شده بالنده می‌کند. این بالندگی در برونداد دانشگاه به صورت خرده‌فرهنگ‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیده می‌شود؛ سپس همه این‌ها از مجرای فرهنگ عمومی در درازمدت تمدن را محقق می‌سازند. در این انتقال، ملت هویت خود را به دست می‌آورد؛ دانشگاه به جامعه هویت می‌دهد و در مسیر این هویت‌سازی، حرکت تلاش و میل به خودکفایی در او ایجادشده، خلاقیت خود را به کار گرفته و از مسیر کارآفرینی توسعه پایدار فراهم می‌شود.

دانشگاه تمدن‌ساز نه تنها دارای نقش و کارکردی درون اجتماعی در پروسه تمدن‌سازی است بلکه عنصر تعیین‌کننده‌ای در رقابت تمدنی در عرصه بین‌المللی و جهانی است و آموزش در تمدن‌سازی انگاره‌ای واقعیت‌ساز و تمدن‌پیشرو است.

پیشنهادها

دانشگاه اخلاق‌مدار منتج به تمدن‌سازی اسلامی لازم است در سطح اعضای علمی، در نظام آموزش، پژوهش و اداره دانشگاه، اخلاق حرفه‌ای نسبت به دانشجویان، اخلاق و فضای مجازی و در نهایت اخلاق و مسئولیت اجتماعی دانشگاه نسبت به بیرون دانشگاه را مورد توجه قرار دهد. فهم جدید از راهبرد محیطی دانشگاه و جامعه در قالب مؤلفه‌هایی چون توجه به فضاهای جدید فناوری، استفاده از ظرفیت سنتی دانشگاه در عین نگرش به حال و آینده امروز، اصرار منطقی در بازاندیشی هویتی مبتنی بر واقعیت مدار، مسئولیت‌مداری، آینده مدار و همچنین بازسازی زیست ذهن عاملیت و بین‌الادھانی شدن امر ساحت اخلاقی آموزش در دانشگاه تمدن‌ساز بسیار مهم است تا بتوان مسئله ب‌هژمونی وانمودها بر واقعیت‌ها را حل نمود.

احیاء اعتماد عمومی به حوزه آموزش دانشگاه و توجه به عناصر مهم عدالت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری امر آموزش در دانشگاه، از دیگر شاخص‌های ضروری است. توجه به ارتقای کیفیت آموزش، در نظر گرفتن پتانسیل متفاوت دانشگاه‌ها در راستای راه‌اندازی رشته‌های جدید تحصیلی، صیانت از حیثیت علمی کشور با رشد تولید مقالات در نشریات معتبر بین‌المللی، ضرورت بازنگری در آئین‌نامه جذب اعضای هیئت‌علمی و ارتقای اساتید، توسعه ارتباط علمی با

کشورهای همسایه، ضرورت ارزیابی مستمر وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها، ارتقای شأن و منزلت دانشگاهیان و تکریم نخبگان به‌منظور جلوگیری از مهاجرت آنان، توجه به اشتغال دانش‌آموختگان با توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های نوآورانه، حرکت در مسیر مرز دانش، تربیت جوانان نخبه، عالم، انقلابی، متعهد، متدین و متخصص برای صیانت از آینده نظام جمهوری اسلامی، توجه به علوم انسانی به‌عنوان جهت‌دهنده مسیر علمی و فرهنگی کشور، از جمله مواردی بود که به‌عنوان مهم‌ترین چالش از سوی وزرای ادوار گذشته مطرح شده است.

اهم دیگر راهبردهای مؤثر در کاهش موانع ادراکی اخلاق آموزشی مؤثر در دانشگاه اسلامی تمدن‌ساز عبارت است از:

۱. ایجاد جریان سازی امید به بهبود امر اخلاقی دانشگاه
 ۲. باور به تغییرات تدریجی در ذهن زیست نظام آموزشی و مدیریتی دانشگاه‌ها
 ۳. احراز شایستگی اخلاق حرفه‌ای و علمی اساتید
 ۴. عزم جدی دولت در ترویج دانشگاه ارزش‌آفرین
 ۵. استقلال نهاد دانشگاه از عرصه سیاست‌زدگی
 ۶. توجه به رویکرد فرارشته‌ای در دانشگاه در راستای نظام معنایی دانشگاه اسلامی تمدن ساز
 ۷. توجه شبکه‌ای به عناصر بهروزی اجتماعی (آزادی بیان، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد).
- در پایان، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تغییرات سریعی که در توسعه روزافزون علوم و فناوری‌ها صورت می‌گیرد و با وجود اینترنت و امکان ذخیره و انتقال حجم‌های زیاد اطلاعات و انجام بخش مهمی از فعالیت‌ها در آینده توسط ربات‌های هوشمند و توقع جامعه از دانشگاه در آینده، دانشگاه‌ها باید ضمن مأموریت‌محوری، آمادگی کافی برای هماهنگی با این تغییرات را داشته باشند. شرایط روز را بشناسند و با آینده‌نگری فعالیت کنند و با تحولات دنیا و نیازهای روز کشور هماهنگی داشته باشند.

سپاسگزاری

در پایان مراتب تشکر خود را از پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به خاطر استنتاج مقاله مذکور از طرح بایسته‌های اخلاقی در حوزه آموزش و مساعدت پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی اعلام می‌نمایم.

منابع

- آراسته حمیدرضا، نوه ابراهیم عبدالرحیم و مطلبی فرد علیرضا (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت اخلاقی آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، راهبرد فرهنگ، شماره ۸، صص ۲۰۳-۲۱۷.
- الویری، محسن و کریم زاده، شهناز (۱۴۰۱)، «تمدن نوین اسلامی و ویژگی‌های زبان تمدن ساز» دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، ش ۲، صص ۶۴-۳۵.
- ایمانی پور، معصومه (۱۳۹۱)، «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، شماره ۶، صص ۳۸-۲۵.
- بیک زاد، جعفر و رمضانی، مجتبی و نژاد ایرانی، فرهاد (۱۴۰۱)، «واکاوی پیامدهای دانشگاه تمدن ساز»، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، ش ۲، صص ۱۵۴-۱۲۷.
- خواص، امیر، حسینی قلعه بهمن، اکبر، دبیری، احمد و دیگران (۱۳۹۱)، «فلسفه اخلاق»، تهران: انتشارات پیام نور.
- رهبر، عباسعلی و شه میری، مرتضی و گلشاهی، محمدمهدی (۱۴۰۲)، طرح پژوهشی بایسته‌های نظام اخلاقی حوزه آموزش در دانشگاه اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۹)، «چینش نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی؛ تأکید بر نخبگان دانشگاهی» دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۸۶-۱۶۱.
- شهید ثانی (۱۳۷۰)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه حجتیم ب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صفایی مقدم، مسعود (۱۳۹۵)، اصول اخلاق اسلامی ارتباط معلم و دانش آموزان، مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت شماره ۱، صص ۴۵-۲۳.
- عزیززی، نعمت اله (۱۳۸۳)، «اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، (۸ و ۹)، صص ۱۷۳-۲۰۰.
- فراستخواه م (۱۳۸۵)، «اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی: جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران» فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲۷، صص ۱-۱۳.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۲)، اخلاق حرفه‌ای، قم: انتشارات مجنون.

- کیخا، احمد و ایمانی پور معصومه (۱۳۹۹)، «فرا ترکیب مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی»، فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۵، ش ۱، صص ۵۳-۶۹.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، تهران: انتشارات بین‌الملل.
- مصباحی، مریم و عباس‌زاده، عباس (۱۳۹۲)، «الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، شماره ۱۰، صص ۳۳-۱۱.
- هادی، مرجانی (۱۳۹۶)، *جامعه‌پذیری دانشگاهی (رویکرد و فرآیندها)*، ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- یزدانی، شهرام و ایمانی پور، معصومه (۱۳۹۶)، «اخلاق حرفه‌ای در آموزش دانشگاهی: ابعاد و سازه‌ها»، *فصلنامه علمی طب و ترکیه*، دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۲۷۲-۲۸۲.

References

- Arasteh Hamidreza, Noh Ebrahim Abdur Rahim and Metabli Fard Alireza (2009), "Investigation of the educational moral status of faculty members of public universities in Tehran", *Culture Strategy* No. 8. 9 pp. 203-217. [In Persian].
- Alviri, Mohsen and Karimzadeh, Shahnaz (1401), "Modern Islamic civilization and the features of the civilization-building language" *two scientific quarterly journals of fundamental studies of modern Islamic civilization*, volume 5, 64-2, 35 [In Persian].
- Imanipour, Masoumeh (2013), "Principles of professional ethics in education", *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, 5th edition, number 6, 25-38. [In Persian].
- Beikzad, Jaafar Vermezani, Mojtabi and Irani, Farhad (1401), "Analysis of the Consequences of Civilizing University" *Two Scientific Quarterly Journals of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 5, Issue 2, 127-154 [In Persian].
- Khawas, Amir, Hosseini Qala Bahman, Akbar, Dabiri, Ahmed and others (2012), *Philosophy of Ethics*, Tehran: Payam Noor Publication [In Persian].
- Rahbar, Abbas Ali and Shahmiri, Morteza and Gulshahi, Mohammad Mahdi (1402), *research project on the requirements of the ethical system in the field of education in the Islamic University*, Research Institute of Islamic Culture and Education. [In Persian].

- Sarkhil, Behnam (2019), "The formation of elites, young people and the challenges facing modern Islamic civilization; Emphasis on academic elites", *two scientific quarterly journals of fundamental studies of modern Islamic civilization*, period 3, number 2, 161-186 [In Persian].
- Stein. E.L (1992), *Socialization at a protestant seminary* Ph.D. dissertation. University of Pittsburgh.
- Martyr Thani (1370), *Ethical teaching and learning in Islam*, translated by Hojtim b. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian].
- Safaei Moghadam, Massoud (2015), Principles of Islamic ethics in the relationship between teachers and students, *Research Journal of Basics of Education and Tarbiat* No. 1, 45-23. [In Persian].
- Dear, God's blessing. (1383), "Professional ethics in higher education, a reflection on strategies for improving ethical standards in university education", *Culture Strategy Quarterly*, (8 and 9), 173-200. [In Persian].
- Farastakh M (2006), "Scientific ethics is the key to the promotion of higher education: the position and mechanisms of professional scientific ethics in guaranteeing the quality of higher education in Iran" *Journal of Ethics in Science and Technology*, No. 27:13-1. [In Persian].
- Faramarz Qaramelki, Ahad (2012), *Professional ethics*, Qom: Majnoon Publications. [In Persian].
- Kikha, Ahmad and Imanipour Masoumeh (2019), "Ultra-synthesis of professional ethics components in higher education" *Quarterly of the Center for Studies and Development of Education, Shahid Sadougi University of Medical Sciences*, Yazd, Volume 15, No. 1, 5369. [In Persian].
- Masbah Yazdi, Mohammad Taghi (2010), *Moral philosophy*, research and writing by Ahmad Hossein Sharifi, Tehran: International Publications. [In Persian].
- Masbahi, Maryam and Abbaszadeh, Abbas (2012), "Systemic model of professional ethics in higher education", *Bioethics Quarterly*, No, 11-33. [In Persian].
- Marjaei, Hadi (2016), *Academic socialization (approach and processes)*, published by the Research Institute of Cultural and Social Studies in cooperation with the Higher Education Research and Planning Institute. [In Persian].
- Yazdani, Shahram and Imanipour, Masoumeh (2016), "Professional ethics in university education: dimensions and structures", *Scientific Quarterly of Medicine and Cultivation*, Volume 26, Number 4, 272-282. [In Persian].
- Stein. E.L (1992), *Socialization at a protestant seminary* Ph.D. dissertation. University of Pittsburgh. [In Persian].